

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله آداب اسلام ۱۴



بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند (جل جلاله) خنده را خلق نموده است و می فرماید: «وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى» (النجم: ۴۳).
«او اوست که (هر کس را در دنیا خواست) خندانند و (هر کس را خواست) گریانند».

خنده یکی از صفات خداوند است: «يَضْحَكُ اللَّهُ إِلَى رَجُلَيْنِ يَقْتُلُ أَحَدَهُمَا الْآخَرُ يَدْخُلَانِ الْجَنَّةَ، يَقَاتِلُ هَذَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُ، ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَى الْآخَرِ فَيَسْلَمُ فَيَقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَسْتَشْهَدُ». صحیح الجامع (۸۱۰۰).

یعنی: خداوند از دو نفر خنده اش می گیرد که یکی از آنان دیگری را کشته ولی هر دوی آنها وارد بهشت می شوند، بدینصورت که این یکی در راه خدا می جنگد و کشته می شود، و سپس دیگری توبه می کند و مسلمان می شود و در راه خدا می جنگد و او نیز شهید می شود.

زیاد خندیدن مذموم است، بدلیل فرموده پیامبر ﷺ که می فرماید: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ تَعْلَمُونَ مَا أَعْلَمُ لَضَحَكْتُمْ قَلِيلًا وَلَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا». السلسله الصحيحه (۳۱۹۴).

یعنی: قسم به آن کسیکه نفس من در دست او است، اگر آنچه من می دانم، می دانستید، همیشه کم می خندید و زیاد گریه می کردید.

و یا می فرماید: «وَلَا تَكْثُرُوا الضَّحْكَ فَإِنَّ كَثْرَةَ الضَّحْكَ تَمِيتُ الْقَلْبَ». یعنی: خندیدن زیاد قلب را

می میراند. السلسله الصحيحه (۵۰۶).

علما خندیدن زیاد بدون سبب را از گناهان صغیره بحساب می آورند، بدلیل قول پیامبر ﷺ که می فرماید: «إِيَّاكَ وَكَثْرَةُ الضَّحْكَ فَإِنَّهُ يَمِيتُ الْقَلْبَ». صحیح الترغیب (۲۲۳۳).

در وصف خنده پیامبر گفته شده است: خنده پیامبر ﷺ تنها تبسم بود. صحیح الجامع (۴۸۶۱).
برخی اوقات خندیدن کفر بحساب می آید، اگر خنده عبارت باشد از استهزاء به آنچه خداوند نازل فرموده، و یا استهزاء به سنت پیامبر ﷺ باشد.

درست نیست بخاطر خنداندن مردم، دروغ گفت، پیامبر ﷺ می فرماید: «وَيْلٌ لِلَّذِي يَحْدُثُ فَيَكْذِبُ لِيَضْحَكَ بِهِ الْقَوْمُ، وَيْلٌ لَهُ، وَيْلٌ لَهُ». ابوداود (۴۱۷۵) این روایت را نقل کرده است.

یعنی: وای بر کسیکه سخن می گوید و بخاطر خنداندن مردم دروغ می گوید، وای بر او وای بر او.

از پیامبر ﷺ نقل شده است که بعضی اوقات در مجلس اصحاب می نشست و جکهای خنده آور تعریف می کردند و او لبخند می زد. صحیح النسائی (۱۲۸۶).

و از سماک بن حرب رضی الله عنه روایت شده و گفته است: به جابر بن سمره گفتم: آیا شما با پیامبر ﷺ می نشستید؟ گفت: بله، خیلی اوقات از محل نمازش بلند نمی شد و صبحها تا طلوع خورشید می نشست و وقتی که خورشید

طلوع می‌کرد برمی‌خواست، و اصحاب صحبت می‌کردند و درباره دوران جاهلی سخن می‌گفتند و می‌خندیدند و او نیز تبسمی می‌کرد.

و در آن دوران افراد خوش‌ذوق و نکته‌دانی بودند که بسیار خوش‌طبع و شوخی‌باز بودند مانند: مردی بود در عهد پیامبر ﷺ بنام عبدالله و ملقب بود به حمار، و او بسیار پیامبر را می‌خنداند. صحیح البخاری (۶۲۸۲).

از جمله اسباب خنده، خنده شادی است، و قتیکه آدم چیزی را ببیند که او را خوشحال کند، و یا به هنگام خشمگین شدن، و سبب آن تعجب شخص خشمگین است.

در شریعت آمده است که خندیدن زن و شوهر هنگام شوخی کردن با هم، سنت است.

مخصوصاً اگر زن بکر بوده باشد، چون پیامبر ﷺ هنگامیکه جابر با بیوه‌ای ازدواج نمود، به او گفت: «فهلأ جاریة تلاعبها وتلاعبك وتضحكها وتضحكك».

یعنی: چرا دختری نمی‌گرفتی که با او شوخی کرده و با تو شوخی کند، و او را بخندانی و تو را بخنداند. بخاری و مسلم این روایت را نقل کرده‌اند و لفظ از بخاری است. لبخند نزدن و نخندیدن مطلقاً از وقار و جدیت بحساب نمی‌آید.

خنده‌ای که با صوت باشد، نماز را باطل می‌کند؛ ولی برخی از علما می‌گویند چون کلام نیست نماز را فاسد نمی‌گرداند و تبسم نیز نماز را باطل نمی‌کند.

آداب مزاح و شوخی کردن

مزاح، کلامی است که هدف از آن شوخی‌هایی است که به حد اذیت و آزار نمی‌رسد، و اگر بدان حد برسد، مسخره خواهد بود.

ثابت شده که پیامبر ﷺ شوخی و مزاح می‌کرد، یک‌بار به برادر انس بن مالک ﷺ گفت «یا أبا عمیر ما فعل النغیر». ای ابا عمیر گنجشک چه کرد. (الشمائل المحمدیه (۲۰۴)). و به انس بن مالک گفت: «یا ذا الأذنین» ای صاحب دو گوش. مشکاه المصابیح (۴۸۱۳).

شوخی کردن بین دوستان و رفقا سنت است چون باعث شادی و فرح‌بخشی می‌گردد.

نباید در شوخی قذف و غیبت وجود داشته باشد و نباید در آن چیزهایی باشد که شخصیت را لکه‌دار نماید، و نباید هیبت را از بین ببرد، و نباید در آن فحش و فوش باشد تا حقد و کینه را ایجاد نکند، و نباید باعث غوغا شود، و نباید حقد و کینه را ایجاد کند و در آن نباید دروغ باشد.

از جمله شوخیهای اصحاب پیامبر ﷺ این است که آنها با خیار شوخی و مزاح می‌کردند، و هنگامیکه مسأله‌ای جدی پیش می‌آمد، همچون مردانی واقعی و جدی برخورد می‌کردند.

از جمله شوخی‌های نادرست، مواردی است که عبدالله بن سائب از پدرش و او از پدر بزرگش نقل کرده

که گفت: از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌گفت: هیچ کدام از شماها وسایل دوستش را به شوخی بر ندارد، و یا بطور جدی هم این کار را نکند، و اگر یکی از شما عصای دوست خود را برداشت آنرا برگرداند. صحیح الأدب المفرد (۱۸۰).

نباید زیاد شوخی کرد بگونه‌ای که به رفتار عادی و همیشگی تبدیل گردد، و بعنوان صفت و ویژگی خاص تو تبدیل گردد، چون این باعث از میان رفتن هیبت تو می‌گردد و افراد هزل‌گو بر تو چیره خواهند شد. لازم است شوخی‌باز موارد زیر را رعایت کند:

باید مزاح و شوخی در وقتی مناسب باشد.

نباید جدی و روان صحبت کرد.

نباید در آن فحش و فوش باشد.

نباید به شوخی به دین استهزاء نمود.

نباید با بی‌خردان و نادانان شوخی کرد.

باید احساس دیگران را رعایت نمود.

باید با علما و افراد مسن شوخی‌هایی کرد که مناسب آنان است.

نباید در خندیدن به آن اغراق کرد.

نباید بخود ضرر رساند.